

پول به مثابه انفال؛ مبنای نظری تأمین مالی درون‌زای تولید

مهدی محمدی*

چکیده

علی‌رغم مطالعات گسترده پیرامون ماهیت پول و دستیابی به روشنایی‌هایی در خصوص جوهره پول، همچنان ابهاماتی در این خصوص وجود دارد. نظریه‌پردازی در خصوص ماهیت پول، مالکیت پول و حاکمیت پولی از منظر دینی می‌تواند حل‌کننده بسیاری از مسایل مستحده در خصوص تأمین مالی، بهره پول و تجویزکننده سازوکار جدید در تخصیص و تجهیز فعالیت‌های اقتصادی و تضمین‌کننده اهداف نظام اقتصادی اسلام در چارچوب اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید ملی باشد. شناخت صحیح ماهیت پول و صورت‌بندی نظریه پول به مثابه انفال می‌تواند علاوه بر دلالت‌های اساسی در خصوص حاکمیت پولی و ارتباط آن با حاکمیت سیاسی مشروع، تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام و دستیابی به سیاست‌های پولی اثربخش را تضمین نماید. بر اساس دلالت‌ها هزینه‌کرد انفال، استفاده از منابع پولی و اعتباری به عنوان یک حق اولویت در دست کسانی خواهد بود که در مسیر فعالیت‌های تولیدی اثربخش مشغول هستند و از کسانی که در فعالیت‌های سوداگری و دلالی و سفته‌بازی به دنبال اخلال در اقتصاد ملی هستند، جریمه اخذ می‌شود. توجه به این نکته ضروری است که نقدینگی انباشته‌شده در بخش پولی و مالی اقتصاد با نرخ سود سپرده منفی به تدریج امحا خواهد شد. البته لازم است انگیزه‌های دلالی و سوداگری در سایر بازارهای مالی از بین برود و هدایت نقدینگی به صورت مستقیم به سمت تولید صورت پذیرد.

واژه‌های کلیدی مالکیت پول، انفال، ماهیت پول

طبقه‌بندی JEL: E5, P24, O16

* استادیار اقتصاد، دانشکده مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران
mah.mohamadi@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۳۰

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال نهم، شماره سی‌وسوم، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۱۱-۷۱

مقدمه

علی‌رغم مطالعات گسترده پیرامون ماهیت پول و نظریه‌پردازی در خصوص آن و دستیابی به روشنایی‌هایی در خصوص جوهره پول همچنان ابهامات و پیچیدگی‌هایی در خصوص ماهیت آن وجود دارد. تفکرات اندیشمندان مسلمان در خصوص ماهیت پول را می‌توان در قالب سه دسته کلی فهرست کرد. نظریه قدرت خرید که حضرات آیات شهید صدر، بجنوردی، شاهرودی و حجت‌الاسلام یوسفی قایل به آن هستند و مؤلفان کتاب پول در اقتصاد اسلامی نیز قایل به نظریه ارزش اسمی هستند. کمیجانی و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصاد غرب در خصوص ماهیت پول و نقد آن‌ها به لزوم نظریه‌پردازی جدید درباره ماهیت پول در اقتصاد اسلامی اذعان نموده‌اند. آقای توسلی (۱۳۹۱) نیز با مذاقه در این نظریات (غربی و اندیشمندان مسلمان)، قایل به نظریه مال اعتباری است و با ارایه نظریه مال اعتباری معتقد است که این نظریه ضمن پوشش نظریه‌های دیگر از ایرادهای وارد بر آن‌ها مبرا می‌باشد. ایشان بر این نظر است که پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، مراتبی از اعتبار دارد. بر اساس نظریه مال اعتباری، هم ذات پول اعتباری است و هم مالیت اولیه آن. نظریه مال اعتباری برای پول دو نوع مالیت اولیه و ثانویه را قایل شده است با این فرق که مالیت ثانویه، نسبی و طبیعی و متغیر است. سیدعبدالحمید ثابت (۱۳۹۶) موضوع خلق پول و جایگاه آن در نظام اقتصادی اسلام را مورد توجه قرار داده است. ایشان با پذیرش اصل و اساس خلق پول، آن را موضوعی حاکمیتی می‌داند که بایستی به دلیل شرایط، اهداف و مقاصد

شریعت در انحصار دولت اسلامی باشد. بر همین اساس لزوم حاکمیت این شرایط و مقاصد را بر سازوکار و مکانیسم عملیاتی و نیز بر الگو و مدل پیشنهادی نتیجه گرفته است.

مجاهدی (۱۳۹۲) با تحلیلی فلسفی از ماهیت پول و ارتکاز شکل گرفته در خصوص پول در ذهن افراد را در پیوند با واقعیت در نظر می‌گیرد و ارتکاز مذکور را ریشه‌دار در حقیقت و عینیت خارجی می‌داند.

حسین درودیان (۱۳۹۴) با انتقاد از ایده پول حقیقی به این نتیجه رسیده است که پول اسلامی اصولاً پولی اعتباری است و الگوی پول حقیقی در اقتصادهای پیشرفته امروزی کارایی ندارد.

در نقطه مقابل گروهی دیگر از اندیشمندان اقتصاد اسلامی که از مدافعان نظریه پول طلا یا پول حقیقی طبیعی (کالایی) هستند، ضمن تأکید بر لزوم ثبات در ارزش پول اسلامی به منظور حفظ مالکیت‌های محترم مسلمانان، هرگونه خلق پول دولتی و بانکی را که منجر به نقض این قاعده شود، از منظر فقهی و به حکم اولیه مردود می‌دانند. (نعمتی، ۱۳۹۸) این دسته از اقتصاددانان مسلمان از منظر نظری در بین مکاتب اقتصادی قرابت زیادی به نظریات پولی مکتب اتریش دارند اساساً پولی را مورد توجه قرار می‌دهند که به طور طبیعی و در یک سازوکار خودجوش به تعدیل خود پردازد. ایشان پول را کالایی می‌دانند.

هیچ یک از مطالعات اندیشمندان مسلمان به بررسی مالکیت پول و دلالت‌های ناشی از آن ذیل انفال نپرداخته‌اند و در نهایت سؤال اصلی آن‌ها این بوده است که آیا جبران کاهش قدرت خرید پول مجاز است یا خیر؟ در نهایت جبران این کاهش بر عهده کیست؟ بر این اساس از فحوای کلام بخش زیادی از این بزرگواران بی‌انضباطی‌های دولت منشأ کاهش تورم، عنوان شده است و لذا مقابله با کاهش ارزش آن و اجتناب از بی‌انضباطی‌های پولی و عدم حاکمیت سیاست مالی بر سیاست پولی تجویز شده است اما در خصوص شرط لازم برای کارآمدی و اثربخشی حاکمیت پولی سکوت کرده است.

در این مقاله با شناخت سیر تطور نظریات مختلف اقتصاددانان و

جامعه‌شناسان پولی و ارایه یک تعریف متا از پول به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی پاسخ به سوالات ذیل مورد مذاقه قرار خواهد گرفت:

حاکمیت پولی متعلق به کیست؟ بر اساس مبانی فقه اسلامی، مالکیت پول اعتباری متعلق به کیست؟ ملاک‌ها و دلالت‌های این مالکیت کدام است؟ اثربخشی سیاست‌های پولی مقام ناظر پولی در چه زمان و شرایطی اثربخش خواهد بود؟

در ادامه از منظر اسلامی و به شیوه استنباطی و توصیفی به تحلیل نهاد پولی و مالک اصلی آن و تعلق حاکمیت پولی به حاکمیت سیاسی مشروع تحت عنوان یکی از مصادیق انفال پرداخته خواهد شد. در انتها دلالت‌های مربوط به شیوه تخصیص و تجهیز پول به عنوان یکی از منابع انفال در جامعه اسلامی پیشنهاد خواهد شد.

شناخت مالک اصلی پول و ریشه‌یابی مالکیت پول (دولت و حکومت یا بخش خصوصی و یا اجتماع؟) و در نتیجه آن استنباط سطح اختیارات حاکمیت پولی می‌تواند کارآمدی لازم را برای گذر از بحران‌های ناشی از نابسامانی‌های پولی و انفصال بخش پولی و مالی از بخش واقعی اقتصاد را تضمین نماید و زمینه‌ساز مقابله و اجتناب از بروز بحران‌های مالی و پولی در اقتصاد ملی و صیانت از مصالح و منافع تمام اقشار جامعه باشد. دستیابی به هدف مذکور بدون لحاظ اثرات بازار سرمایه و کنترل و هدایت نقدینگی در اقتصاد و نیز مدیریت نرخ بازدهی سرمایه پولی ممکن نخواهد بود.^(۱)

۱. سیر تطور نظریات اندیشمندان در خصوص ماهیت پول

تعریف پول به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصاد مدرن روشن‌کننده بسیاری از ابهامات و پیچیدگی‌های سیاست‌گذاری پولی و نیز نهاد متولی آن و سازوکار تخصیص و خلق و توزیع خواهد بود.

اقتصاددانان در تشخیص هویت واقعی پول تفاهم ندارند و در چگونگی اداره نهادی به نام پول اختلاف نظر شدید دارند. عده ای آن را در تابع مطلوبیت قرار می‌دهند (همچنان که ساموئلسون و پاتینکن^۱ انجام داده‌اند) دسته‌ای دیگر ارتباط

پول را با تابع مطلوبیت مورد تحلیل قرار می‌دهند همانند فیشر^۱ و عده‌ای دیگر بهره را قیمت پول می‌دانند و جایگاه آن را در تابع تولید تعیین می‌کنند مانند کاری که اسکار لانجه^۲ انجام داده است. شخصی همچون آدام اسمیت^۳ در کتاب ثروت ملل، پول را ثروت جامعه نمی‌داند در حالی که پتک و سیرینگ (۱۹۷۸) پول را ثروت جامعه می‌دانند. پیرس و شاو^۴ (۱۹۷۴) پول را دارایی می‌دانند و بر اساس اعتقاد اقتصاددانان کلاسیک پول فقط وسیله مبادله است و بر اساس نظر کینز^۵ پول وسیله ذخیره ارزش است و می‌تواند آن را مانند کالاهای خصوصی کنز کرد و به این علت با آن سفته‌بازی نمود و... (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲)

متفکرین جریان اصلی اقتصاد ماهیت پول را بر اساس وظایف و کارکردهای آن تعریف می‌نمایند. هیکس^۶ (۱۹۶۷) پول را چیزی می‌داند که وظایف پول را انجام می‌دهد. میشکین^۷ (۲۰۰۴) بیان می‌کند که اقتصاددانان پول را چیزی تعریف می‌کنند که مردم در خرید و فروش کالاها و خدمات و یا در بازپرداخت بدهی‌ها به صورت عمومی مورد استفاده قرار می‌دهند. واسطه مبادله بودن، واحد محاسبه (و قیمت گذاری)، تقسیم‌پذیری، وسیله ذخیره ارزش از جمله مهم‌ترین وظایف و کارکردهای پول مطرح شده است. لحاظ پول به عنوان یک کالا، بسیاری از نظریه‌پردازان پولی جریان اصلی اقتصاد را وادار به تعریف نظریات پولی خود از منظر کالایی نموده‌است. (Barkai. 1989. P 197)

نگاه فلزگرایان به پول به عنوان واسطه مبادله، منشأ پول را برآمده از بازار می‌داند و این مبادله است که منجر به معنابخشی به پول خواهد شد. لذا واسطه مبادله بودن پول متجلی‌کننده کارکرد اساسی آن است که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند این نقش را بازی نماید.

-
1. Fisher
 2. O.Lange
 3. Adam Smith
 4. Pierce & Shaw
 5. Keynes
 6. Hicks
 7. Mishkin

ظهور پول بانکی در قرن بیستم که فقط تعهد به پرداخت یا اعتبار و فاقد هر نوع مابه‌ازای کالایی است از دیگر تناقضات نظریه پول کالایی است. (درودیان، ۱۳۹۳)

در مقابل طرفداران نظریه پول کالایی، جریان هترو دوکس و انتقادی آن نگاه دیگری به پول دارند و ماهیت آنرا کاملاً اعتباری لحاظ می‌کنند. به بیان زیمل جامعه‌شناس آلمانی «روزی پیشرفت تکنولوژی پول را از شکل فیزیکی آن رها می‌کند. آنگاه حقیقت پول به عنوان یک پدیده اجتماعی و نه شیئی فیزیکی آشکار خواهد شد». (Simmel. 1978. P 165)

در میان جریان هترو دوکس، رویکرد چارتالیستی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. رویکرد چارتالیستی یا پول دولتی اولین بار توسط جورج فردریش ناپ^۱ اقتصاددان آلمانی در سال ۱۹۰۵ تحت عنوان «نظریه دولتی پولی»^۲ به زبان آلمانی مطرح شد.^(۳)

از جمله دیگر افرادی که قایل به نظریه دولتی پولی هستند و پول را به عنوان وسیله تسویه بدهی مطرح می‌نمایند، کینز است که پول را به طور خاص مخلوق دولت می‌داند. (Keynes. 1930. P 4)

تعیین و اعلام دولت در خصوص آنچه که به عنوان تسویه بدهی مالیاتی به عنوان واحد محاسبه در دفاتر عمومی قابل قبول است، منجر به شکل‌گیری پول می‌شود. دولت است که با تأسیس واحد اسمی محاسبه در سیستم پولی فلزی و تعیین نرخ مبادله به پول اعتبار می‌دهد. (Ingham. 2004. P 47)

بر اساس نظر ناپ، بر این اساس می‌بایست خاستگاه پول را در تاریخ جستجو کرد و تنها ناشر پول دولت نیست بلکه دولت‌پذیرنده پول است که به آن مقبولیت می‌بخشد که این نکته (برای پذیرش و ماندگاری پول) تعیین‌کننده است. برگه‌های اعتباری و اسکناس‌ها توسط بانک‌ها منتشر می‌شود و با پذیرش آن‌ها توسط دولت به عنوان پول دولتی پذیرفته می‌شوند. (ناپ، ۱۹۷۳ (۱۹۲۴): ۹۵)

1. Knapp, G.F.

2. The State Theory of Money

بر خلاف رویکرد متعارف یا فلزگرایی ارزش پول ناشی از محتوای آن نیست بلکه مربوط به ماهیت حقوقی پول و قراردادهایی است که میان افراد وجود دارد. بل (۲۰۰۱) می‌گوید چارنالیست‌ها به ریشه‌های تاریخی و اجتماعی پرداخته و برخلاف فلزگرایان یک نظریه غیربازاری از پول ارایه می‌کنند. گریسون^۲ (۱۹۷۷) خاستگاه پول را در نظام کیفی دوره باستان می‌داند که پول به عنوان ابزاری برای پرداخت بدهی فرد خطاکار به فرد آسیب‌دیده ایجاد شده‌است. اینز^۳ (۱۹۱۳) نیز خاستگاه پول را بدهی‌های ناشی از ارتکاب جرایم می‌داند که بعدها به صورت الزامات و تعهدات دولتی تکامل یافته‌است. سمنووا^۴ (۲۰۰۷) پول را ابزاری می‌داند که برای استانداردسازی خراج و یا مالیات‌هایی که توسط حاکم وضع می‌شده‌است.

چرنوا^۵ (۲۰۰۶) معتقد است که پول مخلوق دولت می‌باشد و یک اعتبار مالیاتی برای پرداخت این بدهی می‌باشد. رای^۶ (۲۰۰۴) در بیان ماهیت پول دولتی بیان می‌کند که پول دولتی یک نوع بدهی (IOU) است. دولت الزامات و تعهدات را بر مردم در قالب یک واحد محاسبه اجتماعی عمومی-پول- برای اندازه‌گیری تعهد و الزام وضع می‌کند.

ناپ^۷ (۱۹۲۴) می‌گوید از آنجا که به واسطه مالیات‌ها و سایر الزامات دولت همه یا بخشی از مردم به نوعی به دولت بدهکار هستند و باید آن را بپردازند، لذا یک نیاز عمومی برای پول دولتی جهت پرداخت بدهی‌ها به دولت ایجاد می‌شود. لذا از منظر ناپ آنچه حد و مرز نظام پولی را معین می‌کند پذیرش توسط دولت است. آدام اسمیت (۱۹۳۷) نیز معتقد به نقش دولت و تأثیر مالیات و نحوه پذیرش آن بر ارزش و پذیرش پول است. (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۴)

-
1. Bell
 2. Grierson
 3. Innes
 4. Semenova
 5. Tcherneva
 6. Wray
 7. Knapp

ویرانیز با تبعیت از ناپ، تعریف دولتی پول را برمی‌گزیند و پول را واحد محاسبه‌ای می‌داند که برای پرداخت قانونی بدهی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Weber. 1978. P 169) بر اساس نظریه ناپ حکومت یا شرایط قانونی برای وجود پول ضروری است. پول به عنوان یک واحد محاسبه (و سنجش ارزش) نمی‌تواند بر اساس تعاملات صورت گرفته در شرایط بازار آزاد بر اساس منافع اقتصادی در شرایط بازار آزاد تعیین شود؛ لذا باید توسط حاکمیت معرفی گردد.

بر اساس نظر زیمل^۲ (۱۹۷۸) در زمانی که مبادلات پولی جایگزین تهاتر شد، عامل سومی بین طرفین مبادله ایجاد شد که خط مستقیم ارتباطی آن‌ها را به رابطه‌ای دیگر تغییر می‌دهد که جامعه اقتصادی باید آن رابطه و خط ارتباطی جدید (پول) را پذیرا باشد. زیمل تمام نظریات مربوط به پول کالایی را همچون نظریه مارکس رد می‌کند و ارزش پول را وابسته به هزینه تمام شده تولید آن یا از تعامل عرضه و تقاضا یا ارزش کار صرف شده برای تولید آن نمی‌داند. به اعتقاد وی پول بیان‌کننده یک ارزش انتزاعی برآمده از یک قدرت سیاسی مرکزی است. (Simmel. 1978. P 120) به اعتقاد زیمل «پول طلبی از جامعه است ... پول حواله‌ای است که نام تأدیه‌کننده از آن حذف شده است». (Simmel. 1978. P 177) در جایی دیگر شومپتر^۳ (۱۹۵۴)، دارنده پول را طلبکار کالا می‌داند و اذعان می‌کند که پول مطالبه‌ای از تولید اجتماعی است.

دسته‌ای دیگر از چارتالیست‌ها قایل به پیوند بخش خصوصی و دولت در ایجاد و خلق پول هستند. به بیان دیگر و مطابق با نظر ناپلئون بناپارت^۴ (۱۸۰۶) بانک فقط متعلق به سهامداران خود نیست و به دولت که امتیاز خلق پول را به او اعطا کرده نیز، تعلق دارد. (Crouzet. 1999. P 76)

در ادامه تطور نظریات مختلف در خصوص ماهیت پول، پول اعتباری سرمایه‌داری مطرح می‌شود. به عبارت دیگر زمانی که مزایای صور مختلف پول

1. Weber

2. Simmel

3. Schumpeter

4. Napoleon Bonaparte

اعتباری آشکار می‌شود و در جایی که قدرت دولت به اندازه‌ای می‌شود که می‌تواند انتقال بدهی‌ها را شخصی‌زدایی کرده و جامعه را به پذیرش اسناد بدهی مذکور الزام نماید، پول اعتباری سرمایه‌داری ایجاد می‌شود. پول اعتباری سرمایه‌داری، از تلفیق و پیوند الزامات دولتی و نیز انتشار آن توسط بانک‌های خصوصی متولد می‌شود. بانک‌ها موظف به کسب مجوزهایی از دولت‌ها هستند تا بتوانند خلق پول نمایند. پیوند بین سپرده‌گذاران تاجر و دولت‌های شهری بنیانگذار نوع جدیدی از خلق پول می‌باشد. (Ingham. 2004. PP 113-116)

توتونچیان (۱۳۷۹) قایل به این است که پول در سیر تحول خود دارای فصل مشترکی است و آن جنبه حقوقی آن است که یا به وسیله قرارداد ضمنی اجتماعی شکل گرفته است و یا به وسیله قانون مدون. ایشان پول را کالایی خصوصی نمی‌داند و لذا به دلیل تحریم بهره، بازاری برای پول قایل نیست. از منظر توتونچیان پول کالایی عمومی است که نباید با آن سفته‌بازی صورت پذیرد لذا وجود بازار کالایی برای آن را رد می‌نماید.^(۳) ایشان انگیزه تولید پول را نیاز جامعه می‌داند. در عین حال از دادن مجوز به بانک‌ها برای خلق پول اجتناب می‌نماید. حد مطلوب تولید پول را در حد نیاز و به تناسب ظرفیت تولیدی جامعه می‌داند و مسئولیت هر گونه کاستی و کمبود تولید پول را بر عهده دولت (حاکمیت) می‌داند. (توتونچیان، ۱۳۷۹، صص ۹۴-۹۵)

۲. مبنای اسلامی نظریه پول به مثابه انفال

به منظور تبیین نظریه تأمین مالی درون‌زای تولید نیازمند استنباط برخی از اصول و ارکان نظریه مذکور خواهیم بود. بر این اساس، اولین رکن نظریه تأمین مالی درون‌زای تولید، مالکیت امام‌المسئولین و حاکمیت اسلامی بر پول است که متعلق به منصب امامت است و نه عموم مسلمین. هر چند می‌تواند حق مالکیت در مواردی تفویض شود اما ذات آن متعلق به امام‌المسئولین خواهد بود.

انفال یکی از مهم‌ترین ثروت‌های عمومی جامعه است که جایگاه مهمی در منابع مالی حکومت اسلامی دارد و در صورت دستیابی به مناط و ملاک متمایزکننده مصادیق آن از سایر موارد می‌تواند گام مهمی در تخصیص عادلانه

آن‌ها و حکمرانی صحیح در جهت کارآمدی نظام اسلامی و مقابله با رانت‌جویی و تداول ثروت در دست اغنیا و استحکام و پایداری جامعه اسلامی داشته باشد. مسأله‌ای که به دلیل غفلت از آن زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات به خصوص در عرصه حاکمیت پولی و تأمین مالی تولید شده است که آثار زیانبار آن بر دوش همه اقشار به خصوص طبقه متوسط و پایین جامعه اسلامی بار شده است. سؤال اساسی این پژوهش این است که آیا پول ذیل مصادیق انفال می‌باشد؟

به منظور دستیابی به پاسخ سؤالات مذکور، مناط اصلی انفال برای شناسایی مصادیق آن استنباط خواهد شد و امکان‌سنجی دینی قرارگرفتن پول ذیل مصادیق انفال مورد بررسی قرار خواهد گرفت. قرارگرفتن پول ذیل انفال، آزادی حاکم اسلامی در مصرف آن، نوع تخصیص و تجهیز و توزیع منابع پولی بر اساس اختیار و مصالح جامعه اسلامی را نتیجه خواهد داد. از سویی دیگر عدم امکان استفاده از این حق ذاتی را در صورت تفویض در موارد غیرتفویضی توسط افراد و نهادهای مجاز نتیجه خواهد داد و زمینه انتفاع شخصی را برای عوامل از بین خواهد برد.

به دلایل زیر مالکیت نهاد پول متعلق به حکومت اسلامی است و حق ذاتی حاکم اسلامی در هزینه‌کرد، تخصیص و توزیع آن به شمار می‌آید:

الف- استقلال مالی و پولی حاکمیت تضمین‌کننده بقای حاکمیت سیاسی و قضایی اسلام است و نافی سلطه غیر بر امت مسلمین خواهد بود لذا بنابر سیره عقلا و نیز قاعده نفی سبیل مالکیت نهاد پول متعلق به امام‌المسلمین (منصب امامت) خواهد بود و ذیل آن تعریف می‌شود.

حضرت امام خمینی در کتاب‌البیع اساس حکم انفال را یک حکم عقلایی در نظر گرفته که شرع فقط آن را امضا و تأیید کرده است، نه آن که تأسیس کرده باشد و روش خاص یا جدیدی در این رابطه ارایه نکرده است. از منظر ایشان «مسأله در همه دولت‌ها با اختلاف حکومت‌ها این گونه است که زمین موات و تمام اموال بی مالک از قبیل خشکی و دریا و آسمان (جو) زیر نظر رئیس حکومت است و دولت‌های دیگر نمی‌توانند به آن تعدی نمایند؛ بلکه اهالی همان مملکت نیز بدون اذن والی حق تصرف ندارند. اسلام در این امور چیزی خلاف سیره عقلا

نیاورده است.» (امام خمینی، ۱۴۲۱، ص ۲۷)

لذا بر اساس سیره عقلا، مالکیت آنچه که تملکش در دست غیر، حیات حاکمیت اسلامی و استقلال آن را به خطر می‌اندازد؛ فقط در دست امام‌المسلمین خواهد بود، تا امام جامع‌الشرايط عادل و مدیر و مدبر و بصیر از کیان اسلام و جامعه اسلامی صیانت نماید و مانع از تسلط غیر و طاغوت و کفار بر جامعه مسلمین شود.

در خصوص تمسک به سیره عقلا، تعلق ثروت‌های عمومی به حکومت‌ها استنباط می‌شود ولی نحوه تعلق را باید خارج از مفاد سیره جست زیرا سیره دلیل لیبی است و لسان ندارد تا عموم و اطلاقی برای آن فرض شود لذا سیره فقط اولویت حکومت نسبت به تصدی و تصرف این ثروت‌ها را نتیجه می‌دهد، اما از آنجا که مبنای شیعه در باب حکومت ولایت است؛ استدلال امام خمینی بر مالکیت حکومت نسبت به انفال تمام خواهد بود به بیان دیگر:

صغری: سیره عقلا قایم به تعلق انفال و ثروت‌های عمومی به دست حاکمیت است

کبری: این تعلق بر مبنای امامیه از باب ولایت حاکمیت و مالکیت است و نه نیابت.

نتیجه: تعلق ثروت‌های عمومی به حاکمیت از باب مالکیت نسبت به آن‌ها است. (بابوکانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ص ۴۱۹-۴۲۰)

یکی از شئون اساسی و مهم دولت و حاکمیت اسلامی از منظر استقلال و نیز مقابله با تبعیت از ملاک و قاعده نفی سبیل، استقلال حاکمیت اسلامی در زمینه زیرساخت‌های پولی است. به نظر می‌رسد تعاریف پول از منظر کارکردها توسط فلزگرایان و نادیده گرفتن دولت و جایگاه اساسی و حیات‌بخش آن در خلق پول و ادامه حیات آن به این دلایل توسط جریان اصلی اقتصاد مورد توجه قرار گرفت تا هرگز شکل‌گیری یک دولت مستقل با اختیارات مالی و پولی مکفی برای اداره جامعه بر اساس مصالح و منافع عامه مردم تضمین نگردد.

پول اعتباری متعلق به نظام سرمایه‌داری که از پیوند بانکداران خصوصی و

الزامات دولتی و مقبولیت‌زایی حاکمیت ایجاد و خلق می‌شود، زمینه بلعیده شدن حاکمیت و دولت سیاسی را در جامعه به وجود می‌آورد و یکی از زمینه‌های اساسی قدرت در نظام‌های سیاسی دستیابی به حق حاکمیت پولی است.^(۴)

اختیار کنترل و انتشار پول قدرتی است فراتر از قدرت سیاسی که می‌تواند قدرت سیاسی و حاکمیت را نیز به تصاحب و سیطره خود درآورد و سیاستمداران و تصمیم‌گیران را عوامل خود نماید و قوانین اداره آن جامعه را بر اساس منافع و مصالح و ترجیحات خود به نگارش و تصویب درآورد. لذا حکومت و سیاست به عنوان یک وسیله در ید قدرت کسی خواهد بود که حاکمیت پولی را در اختیار دارد و نفوذ عوامل و بازیگران وابسته به شبکه بانکداران خصوصی که تولیدکننده و کنترل‌کننده خلق پول در هر اقتصادی هستند، به راحتی بر اساس اصل تعارض، منافع قواعد و قوانین جامعه را بر اساس مصالح و منافع شخصی خودشان و نه منافع و ترجیحات و مصالح کل جامعه می‌نویسند.

اما به نظر می‌رسد علت بروز و ظهور شبکه بانکداران خصوصی سرمایه‌دار از قرن‌های پیش، نگاه کالایی به پول باشد. به بیان دیگر بسیاری از دولت‌ها علت مقبولیت پول رایج را قیمت تمام‌شده و یا فلز گرانبهای به‌کاررفته در پول شیئی به عنوان واسطه مبادله می‌دانستند. لذا در هنگامی که با محدودیت طلا و نقره در ضرب سکه مواجه می‌شدند به دو اقدام روی می‌آوردند، یا اینکه از عیار طلا و یا نقره‌ی مسکوک کم می‌کردند و یا اینکه از شبکه تجار سرمایه‌دار و برژوا وام دریافت می‌نمودند. به بیان دیگر شبکه بانکداران خصوصی برای تأمین هزینه‌های سرسام‌آور دولتی به آن‌ها وام می‌دادند و از آنجایی که طلا و نقره مسکوک یا چک‌های با پشتوانه به عنوان پول آن زمان مطرح بود، در ازای اعطای وام به دولت‌ها، امتیاز انتشار و کنترل پول ملی برای سال‌های متعدد تمدید می‌شد. اما با حذف پشتوانه دارایی پول و تبدیل آن به کارنسی و پول اعتباری این حقیقت پنهان که شاید سال‌ها توسط شبکه بانکداران خصوصی مخفی شده بود، پرده از چهره برانداخت. شبکه بانکداران و سرمایه‌داران برژوا به خوبی و از سال‌ها پیش به اهمیت و نقش حیاتی دولت در مقبولیت‌زایی برای پول ملی باخبر بودند.

یکی از مؤیدات اساسی این چهره پنهان، توجیهات زیادی است که در خصوص لزوم انتشار اوراق بدهی و اخذ وام از مردم (بخش خصوصی خاص) و نه افزایش پایه پولی توسط دولت به صورت مستقل ارایه می‌شود. به بیان دیگر به بهانه افزایش پایه پولی به عنوان پول پر قدرت تورم قابل ملاحظه‌ای پیش‌بینی می‌شود و حجم افزایش نقدینگی با اخذ وام از بخش خصوصی صاحب سرمایه و انتشار اوراق بدهی را کمتر از افزایش مستقل پایه پولی توسط دولت و انتشار پول پر قدرت توسط دولت عنوان می‌نمایند. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا تضمینی بر عدم تقاضای اوراق بدهی دولتی توسط بانک‌های تجاری و خصوصی و اضافه برداشت این بانک‌ها از حساب خودشان در نزد بانک مرکزی در شرایطی که دولت اوراق قرضه منتشر نماید و پایه پولی را با چاپ پول جدید افزایش ندهد، وجود دارد؟ در صورت منفی بودن پاسخ که منفی نیز هست، با افزایش اضافه برداشت بانک‌های تجاری از حساب خود در نزد بانک مرکزی نیز پایه پولی افزایش یافته است. در چنین حالتی وابستگی و تکیه دولت به شبکه بانک‌های خصوصی بیشتر شده است، علاوه بر اینکه اثر تورمی افزایش مستقیم پایه پولی توسط دولت نیز وجود خواهد داشت.

برای نمونه با قدرت گرفتن شبکه بانکداران خصوصی در نتیجه استقرار دولت‌ها از ایشان، منتج به اخذ امتیاز انتشار و کنترل پول به صورت مادام‌العمر از دولت‌های سیاسی شد. این پدیده و رویدادی است که از سال‌های سده ۱۸ میلادی توسط روچیلدها انجام گرفت و امتیاز بانک مرکزی آمریکا به صورت مادام‌العمر تصاحب کرد. (هیچکاک، ۱۳۹۱) انتشار پول به عنوان یک سند بدهی، مابه‌ازای کالاها و خدماتی خواهد بود که در جامعه تولید می‌شود؛ به بیان دیگر پول به عنوان سند بدهی، اثبات‌کننده بدهکاری افراد دارنده آن به شبکه بانکداران خصوصی است. با توسعه روزافزون شبکه بانکداران خصوصی، قدرت آن‌ها از سطح ملی و منطقه‌ای فراتر رفت و به تدریج در سطح دنیا به جایگاهی بین‌المللی تبدیل شد. طبقه بانکداران جهانی با راه‌اندازی جنگ‌های جهانی قدرت خود را در اداره جهان و مقابله با مخالفین خود به رخ دولتمردان منتقد خود می‌کشانیدند.

طراحی و عملیاتی‌سازی سیستم پولی جهان‌روای دلار نتیجه همین سیطره قدرت جهانی است که از بلعیدن قدرت‌های سیاسی مستقل در سطح جهان نمایان شده است.

تدبیر و سیاست و نیز قدرت اقتصادی حاکمیت یک اقتصاد ملی، عاملی در حفظ ارزش و قدرت خرید پول و یا از دست رفتن معادن و منابع ملی و نیز بروز شوک‌های رکودی و رکود تورمی خواهد بود. بر این اساس شبکه پشت پرده تجار سرمایه‌دار تنها به منافع بخشی و گروهی خود می‌اندیشند و هیچ مسئولیتی در قبال مشکلات و مصالح یک جامعه ندارند. اینگهام (۱۳۹۵) در این خصوص به خوبی اشاره کرده است که دولت درگیر تلاش بیهوده‌ای مبنی بر ترغیب بانک‌ها به اعطای وام به بنگاه‌های متوسط و کوچک می‌شود، اما در عین حال نمی‌تواند چنین کاری را به آن‌ها تحمیل کند. با در نظر داشتن آسیبی که بحران مالی بزرگ (به عنوان نتیجه عملکرد نظام بانکی) به خود بانک‌ها وارد کرد، ترجیح بانک‌ها این است که ترازنامه‌هایشان را اصلاح کنند. این بن‌بست به طور کامل نتیجه ساختار نظام موجود است.

شبکه بانکداران خصوصی در عین حال که علاقمند به منخفی بودن خود از انظار عمومی هستند، در صورت بروز بحران‌های مالی و نیز عدم کفایت سیاسی حاکمیت‌ها، در عمل با تصاحب ثروت واقعی جامعه و تولید کالاها و خدمات آن‌ها، به عنوان آخرین وام‌دهنده به دنبال حمایت از حاکمیت سیاسی خواهند بود تا بهره‌مندی از سفره و اموال عموم مردم برای آن‌ها همچنان فراهم باشد و از سویی دیگر در عمل حاکمیت سیاسی را نیز به تصاحب خود درآورده‌اند. دولت‌ها و حاکمیت‌های سیاسی و ناظران و تنظیم‌گران پولی نیز در شرایط بروز ناترازی‌ها و اعسار شبکه بانکی در شرایط رکودی و یا تعارض منافع شبکه بانکداران به منافع عامه مردم جرأت مقابله و برخورد با منفعت‌طلبی‌ها و تمامیت‌خواهی‌های این شبکه بانکی را نخواهند داشت و در عمل امکان برخورد قاطع و مستقیم با این طبقه خاص سرمایه‌داری را منتفی است.

در چنین شرایطی حاکمیت‌های سیاسی وابسته به شبکه بانکداران خصوصی

در نقش حافظ منافع این طبقه خاص و به زیان عامه مردم با خاصه‌خرجی‌های خود حیات این شبکه را تضمین می‌نمایند.

ب- قوام و ارزش نهاد پول و مقبولیت اجتماعی آن وابسته به وجود و ذات حاکمیت است. لذا از آنجایی که حدوث مقبولیت و ارزندگی و پذیرش پول وابسته به حکومت خواهد بود، لذا حاکمیت سیاسی، ربّ و صاحب و مالک پول خواهد بود.

این ایده که پول مشابه یک ژتون است و مقبولیت آن به اطمینان از پذیرش آن توسط دیگران باز می‌گردد درصدی از حقیقت را بازگو می‌نماید اما در یک تحلیل عمیق‌تر علت بنیادین را باید از مقوله دیگری جست. به بیان دیگر ممکن است که این سؤال مطرح شود که دیگران چرا پول را به عنوان یک وسیله مطالبه کالاها و خدمات قبول می‌نمایند؟ یا ریشه مقبولیت عمومی پول در چه چیزی نهفته است. در چنین حالتی دیگر نمی‌توان تنها به صرف یک قرارداد یا مقبولیت اجتماعی به عنوان ریشه بنیادین ارزندگی پول تمسک جست.

بلکه باید «به این سؤال پاسخ داد که چگونه یک‌چیز در ابتدا به پول رایج و مقبولی تبدیل می‌گردد تا پس از استقرار آن، افراد اطمینان یابند همچنان که در ازای آن کالا و امی‌گذارند، دیگران چنین خواهند کرد. اینجاست که اشاره مؤکد طرفداران نظریه اعتباری به سوی نهاد قدرت معطوف می‌گردد.» (درودیان، ۱۳۹۴، ص ۴)

بر اساس «نظریه دولتی پول»^۱ متعلق به اقتصاددان آلمانی ناپ(۱۹۲۴) و نیز رویکرد نئوچارتالیست‌ها، قوه قهریه(اینگهام، ۲۰۰۴) و پذیرش تسویه بدهی‌های مالیاتی(هر چند که منحصر در این دلیل نیست) و جریمه‌های حقوقی و ... توسط دولت منجر به مقبولیت‌زایی و ارزندگی پول به عنوان واحد محاسبه گردید. این دولت‌ها هستند که تعیین‌کننده مابه‌ازای پول واحد محاسبه، پول شیئی، به عنوان وسیله مبادله می‌باشند و در شرایط مختلف با قدرت قهریه خود تضمین‌کننده امکان مطالبه کالا و خدمات و تسویه بدهی‌ها درمقابل پول رایج در جامعه خواهند

بود. البته مقبولیت پول به خاطر اطمینان ناشی از ورود قوه قهریه دولت برای مقابله با کسانی است که از پرداخت کالاها و خدمات در مقابل پرداخت پولی اجتناب می‌کنند و نه اینکه به زور چماق پلیس مردم با پولی که دولت رایج کرده است، مبادله می‌کنند. به بیان دیگر مردم با اطمینان خاطر از وجود دولت و تضمین دولتی در مقابل تسویه دیون و نیز پرداخت کالاها و خدمات در مقابل پول دولتی مبادرت به مبادله پولی می‌نمایند.

از سویی دیگر تصویری که استفاده‌کننده مسکوکات فلزی در قرون گذشته داشته، دقیقاً همان تصویری است که دارنده‌ی پول‌های امروزی دارد و آن این است که پول در اختیار وی، سند یا نشانه‌ای دال بر مطالبه‌ی وی از تولید اجتماعی است. دارنده‌ی مسکوک فلزی مشابه دارنده‌ی اسکناس و پول بانکی به این دلیل آنرا می‌پذیرفته که می‌دانسته قادر است با عرضه‌ی آن کالا و خدمات به‌دست آورد. به همین جهت بود که محتوای فلزی مسکوکات قدیم نیز برای استفاده‌کنندگان آن اهمیت اصلی نداشت کما اینکه با وجود کاهش در عیار مسکوکات توسط حاکمان هیچ اختلالی در مقبولیت آن پول ایجاد نمی‌شد. فروپاشی یک نظام سیاسی موجب بی‌اعتبار شدن پول کاغذی منتشره توسط آن می‌گردد. (Goodhart, 1998)

بانک‌های خصوصی نیز در صورتی مجاز به خلق پول در جامعه و ایجاد بدهی اعتباری و اضافه برداشت از حساب خود در نزد بانک مرکزی خواهند بود که صلاحیت‌های لازم را برای تأسیس و انجام فعالیت‌های بانکی از بانک مرکزی کسب کرده باشند و بانک‌های مرکزی نیز با کسب مجوز از حاکمیت سیاسی و ذیل مشروعیت و مقبولیت حاکمیت سیاسی مجاز به حیات خواهند بود. لذا این شبهه که، خلق پول بانک‌های خصوصی ذیل نظریه پول دولتی قرار نخواهد گرفت، پاسخ داده خواهد شد.

بنابراین از آنجایی که ارزش‌دهنده به پول به عنوان واحد محاسبه و نیز تعیین‌کننده پول شیئی به عنوان واسطه مبادله دولت می‌باشد لذا هر وجودی که ارزش‌دهنده پول است مالک آن نیز خواهد بود. به بیان دیگر وجود پول قایم به‌ذات حاکمیت سیاسی است و وابسته به آن خواهد بود و نضج و تولد پول توسط

حاکمیت سیاسی صورت می‌گیرد و افول سیاسی و یا سقوط یک حکومت منجر به سقوط ارزش و اضمحلال واحد پولی به عنوان واحد محاسبه و وسیله مبادله خواهد شد. انتخاب پول مذکور به عنوان ذخیره ارزش وابسته به قدرت اقتصادی آن دولت می‌باشد. همچنین میل به نگهداری ثروت به صورت دارایی‌های مشتق‌شده از آن پول وابسته به قدرت اقتصادی دولت و از آن مهم‌تر تصویر ذهنی ذی‌نفعان پول از قدرت اقتصادی حیات‌دهنده به آن پول است و از منظر شناختی، هر چقدر تصویر ذهنی از قدرت اقتصادی حاکمیت‌های سیاسی منسجم‌تر و با ثبات‌تر باشد، ذخیره ارزش بودن پول و نگهداری دارایی‌های مشتق‌شده از آن بیشتر خواهد بود و همین‌طور بالعکس.

بر این اساس از آنجایی که اعتبار یا پول اعتباری خلق شده وجود و حیاتش وابسته به ذات دولت (حکومت) است لذا این دارایی متعلق به آن وجودی خواهد بود که ارزش و حیات خود را از آن گرفته است. از آنجایی که اعتبار پول به عنوان واحد محاسبه توسط دولت تعیین می‌شود و نیز تأییدیه دولت برای تعیین پول شیئی به عنوان واسطه مبادله وابسته به حاکمیت است، حاکمیت پولی و اختیار هزینه‌کرد، تخصیص تجهیز و توزیع منابع پولی نیز در ید حاکمیت سیاسی مشروع خواهد بود.

هزینه‌کرد پول‌های اعتباری خلق شده توسط دولت و مشروعیت جهت مصرف بسته به مشروعیت‌بخشی دولت (حکومت) خواهد بود اگر توافق اجتماعی مبنای مقبولیت و مشروعیت حکومت باشد، پول مذکور وسیله تسویه بدهی‌های مالیاتی مردم خواهد بود. اگر مبانی مشروعیت‌بخشی به حکومت اسلامی الهی و دینی باشد، هزینه‌کرد و جهت مصرف آن وابسته به دلالت‌های دینی و میزان استقلال مالی دولت از منظر دین و مذهب خواهد بود. از آنجایی که بر اساس نظام اقتصادی اسلام حاکمیت اسلامی دارای استقلال مالی است، منبع تأمین مالی آن در موارد متمایز از هزینه‌کردهای دول دموکراتیک، انفال است.

لازم به ذکر است اگر پرداخت مالیات و استفاده از پول خلق‌شده دولتی در جهت تسویه بدهی مالیات به صورت داوطلبانه با پرداخت مستقیم مالیات توسط

مؤدیان (مالیاتی) صورت نگیرد، اما به صورت مالیات تورمی از جیب بسیاری از مستضعفین کسر خواهد شد. شکاف طبقاتی بیشتر و افزایش ضریب جینی نتیجه چنین وضعیتی خواهد بود. لذا با توجه به این استدلال این دولت‌ها نیستند که به مالیات پولی مردم نیازمندند بلکه این ملت‌ها هستند که به منظور تأمین مالی دولت و تسویه بدهی‌های مالیاتی خود و نیز جلوگیری از افزایش شکاف طبقاتی و افزایش ضریب جینی نیازمند خلق پول دولتی خواهند بود، وگرنه انتشار و خلق پول دولتی می‌تواند به صورت نامتوازن و غیرمنصفانه با شکل‌دهی طبقات اقتصادی با شکاف بالا از همه دارندگان اسکناس‌های پولی و یا سپرده‌های اعتباری مالیات تورمی اخذ نمایند و یا به صورتی نامحسوس بخشی از قدرت خرید پول خلق شده را به خود منتقل نمایند.

البته تحلیل مذکور وابسته به مبنای حکومت بر اساس توافق اجتماعی است. حال اگر مبنای حکومت دینی و اسلامی باشد، جنبه هزینه‌کرد انفال، وابسته به تسویه بدهی مالیاتی مؤدیان بالقوه نخواهد بود.

البته مسأله اصلی این است که آیا همه پول‌های خلق شده در راستای تسویه بدهی مالیاتی استفاده می‌شود که از آن تعبیر به وسیله تسویه بدهی مالیاتی شود یا خیر؟^(۵)

ممکن است سؤالی در این خصوص مطرح شود که استدلال فوق مبنی بر اینکه «قوام و ارزش نهاد پول و مقبولیت اجتماعی آن وابسته به وجود و ذات حاکمیت است. لذا از آنجایی که حدوث مقبولیت و ارزش‌گذاری و پذیرش پول وابسته به حکومت خواهد بود، لذا حاکمیت سیاسی، ربّ و صاحب و مالک پول خواهد بود.»، ناتمام است. زیرا قوام و ارزش پول بر طبق (به طور خاص) فلسفه پول زیمِل، امری بین‌الذّهانی است (همانند رمزارزهایی از قبیل بیت‌کوین که حاکمیت هیچ نقشی در آن ندارد) و فقط تعیین آن در یک صورت خاص توسط حاکمیت انجام می‌پذیرد.

این سؤال این گونه پاسخ داده می‌شود:

اولاً رمزارزهایی مانند بیت‌کوین با ساختار غیرمتمرکز و در بستر فناوری

بلاک چین هنوز در بسیاری جوامع به رسمیت شناخته نشده است و بیشتر از آن که به عنوان واحد محاسبه یا واسطه مبادله در نظر گرفته شود به عنوان یک ذخیره ارزش یا یک نوع سرمایه‌گذاری نگریسته می‌شود. از سویی دیگر از آنجایی که واحد محاسبه و سنجش کریپتوکارنسی‌ها، دلاری است، باز هم یک سیستم پولی جهان‌روا با ضمانت دولت آمریکا (به عنوان نهادی که دلار را به عنوان پول ملی در قرن هفدهم و یک پول جهانی در برتون وودز) به رسمیت شناخته و به آن حیات داده، نقش محوری و اساسی در شکل‌گیری، رشد و گردش آن دارد. این تحلیل برای سایر رمزارزهایی که به قیمت دلار پین شده‌اند و یا با دیگر کارنسی‌های قدرتمند بین‌المللی سنجیده می‌شوند، قابل تعمیم است. به عنوان مثال دیسپت به عنوان یک رمز ارز جدید (یا یوان رمزنگاری‌شده) با پشتوانه بانک مرکزی چین به دنیا عرضه شده است.

ج- پول به عنوان یکی از مصادیق انفال ذیل مناط «ما لا ربّ لها» قبل از اینکه به استنباط شمولیت پول ذیل انفال بر اساس مناط «ما لا ربّ لها» پرداخته شود، توضیح استخراج این مناط برای مصادیق مستحدثه انفال لازم و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

ما لا ربّ لها جام‌عترین مناط برای احصای مصادیق انفال و عموماً «الارض کلّه لنا»^(۶)

بر اساس نظریه کشفی شهید صدر در شناخت زیربناهای مکتب اقتصادی اسلام با استفاده از روبناهای نظام حقوقی و مالی آن می‌توان مناط اصلی در تعریف انفال را مشخص نمود. با استفاده از مناط مذکور تعمیم مصادیق انفال به نهاد پول ممکن خواهد شد.

به نظر می‌رسد معنی اصلی انفال همان زیادت باشد که وجه تسمیه‌های مختلف بر اساس معنی زیادت قابل تطبیق است. به عنوان مثال چون هدف اصلی در جنگ پیروزی و غلبه بر دشمن و گستراندن حق بوده و کسب غنیمت افزون بر آن است، بر آن انفال اطلاق می‌کنند، یا اینکه «انفال اموالی است که خدای متعال افزون بر امت‌های گذشته بر این امت حلال کرده است». (طریحی، ۱۳۷۵،

ص ۴۸۵)

بر اساس آنچه از فتاویٰ بسیاری از فقها به دست رسیده است، تعریف جامع و مناطقی برای تعمیم مصادیق انفال ذکر نشده است و تنها مصادیق انفال ذکر شده و یا مالک انفال بر اساس آیات و روایت تعیین گردیده است.^(۷)

در میان فقهای معاصر، حضرت امام خمینی (ره) با تکیه بر ملاک مستتبط از مصادیق طرح شده در روایات (به ویژه روایات وارد شده در موضوع زمین) به تعریف ناظر به ملاک و ضابطه پرداخته است. حضرت امام معتقد است که با ملاک «لا ربّ لها» می‌توان تکلیف مصادیق نوپیدا از قبیل جو و ترانزیت هوایی و بخش‌هایی از دریا و غیره را مشخص کرد و آن‌ها را در عداد انفال به شمار آورد. اگرچه ایشان تنها در خصوص زمین مسأله «لا ربّ لها» را مطرح نموده‌اند ولی به نظر می‌رسد با دقت نظر در مصادیق مذکور در مورد انفال و با استعانت از مباحث اصولی، می‌توان چنین گفت که تمام مصادیق مذکور انفال از زمره «لا ربّ لها» بوده و همین خصوصیت است که وجه اختصاص آن‌ها به امام محسوب می‌شود. این احتمال با روایتی که می‌گوید: «من مات و لیس له مولی فماله من الانفال» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۶۹) نیز قابل تأیید است؛ به این بیان که عبارت «لا ربّ لها» و «لیس لها مولی» به یک معنا باشند. اگر این برداشت پذیرفته تلقی شود می‌توان به ضابطه انفال و در نتیجه تعریف ناظر به ملاک آن دست یافت. در نتیجه هر چه صاحب و مالک بخصوص ندارد، ملاک و ضابطه قرارگرفتن چیزی در عداد انفال خواهد بود. (بابوکانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ص ۴۱۷-۴۱۸)

بر اساس نظر شیخ انصاری مراد از رب را مالک شناخته شده می‌داند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۲) لذا هر مالی که مالک شناخته شده و مشخصی نداشته باشد «لا ربّ لها» خواهد بود و جزو انفال است. لذا از رب تنها مالک پدیدآورنده برداشت نمی‌شود و هر مالی که از یکی از دو جهت حدوث و یا بقا، فاقد چنین خصوصیتی باشد از انفال است. به بیان دیگر اموالی که از لحاظ حدوث مالک و پدیدآورنده معین داشته‌اند، ولی در بقا و استمرار «لا ربّ لها» هستند، از انفال به حساب می‌آیند. (بابوکانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۱۹)

می‌توان از تنقیح مناط بهره برد و برای تقویت ملاک «لارب لها» و تعمیم آن از زمین به مصادیق دیگر استفاده کرد. ذکر قید زمین برای ملاک مذکور به سبب مبتلابه بودن موضوع زمین بوده و به این دلیل است که این صفت در مورد آن بیان شده و گرنه زمین موضوعیتی ندارد. لذا هر مورد که از مصادیق «مالا رب لها» بود جزو انفال است مگر آن که به دلیل خاصی آن مورد جزو عناوین دیگری از قبیل مشترکات و مباحات قرار گیرد در غیراینصورت اصل اولی در «مالارب لها» این است که از انفال محسوب می‌شود. به این طریقه ملاک مزبور در حد نص و علت منصوصه است و موجب تعدی به موارد مشابه می‌شود.

در صورتی که علیت «لارب لها» به صورت قطعی فهم نشود و به سطح دلالت نصی یا حتی ظهوری نرسد این علت دستکم به نحو استشعار فهم می‌شود به این طریق و با استشعار و استنباط علت از مورد و موصوف تعدی کرده و در تمامی مواردی که علت مذکور وجود داشت حکم به وجود معلول شود، حتی اگر موصوف (ارض) موجود نباشد؛ چه آن که به لحاظ اصولی تعلیق حکم بر وصف مشعر به علیت است. (علامه حلی، ۱۴۱۸، ص ۴۳۲) به این ترتیب از توصیف موضوع انفال (ارض) به «لارب لها» می‌توان چنین استنباط کرد که «کل ارض لا رب لها فهی من الانفال لانه لا رب لها» هر زمینی که مالک ندارد از انفال است چون مالک ندارد به همین مناط و ملاک برخی فقها برخی مصادیقی که در روایات معتبر ذکر نشده (از قبیل ساحل دریا و قله کوه و نیزارها) را در عدد انفال مطرح کرده‌اند. (خویی، ۱۴۱۸، ص ۳۶۷)

البته ممکن است این اشکال مطرح شود که توجیه مذکور با مبانی طراح آن یعنی حضرت امام ناسازگار است زیرا ایشان همانند دیگر اصولیان، استشعار را اگر به حد دلالت نرسد، حجت نمی‌داند.

از میان دلالات، نص و ظاهر از حجیت برخوردار است ولی اشعار که در سطح پایین‌تری از ظهور قرار دارد، حجیت ندارد. در پاسخ به این اشکال می‌توان این گونه پاسخ داد که همین اشعاری که مثلاً از تعلیق حکم بر وصف در کلام فهم می‌شود، گاهی و در برخی موارد با قراین داخلی یا خارجی تقویت می‌شود و در

اثر آن از حد اشعار، خارج شده و به مرحله ظهور می‌رسد و در این صورت است که حجت خواهد بود و می‌تواند مبنای نظر قرارگیرد. با این توجیه در مورد انفال هم می‌توان گفت گرچه در ظاهر از تعلیق حکم بر وصف علیت استشعار می‌شود، ولی این اشعار با قراین متعددی که در مقام موجود است، تقویت می‌شود و به مرحله ظهور می‌رسد و در نتیجه حجت است. (بابوکانی و همکاران، ۱۳۹۷، صص ۴۲۲-۴۲۳)

اگر نکات فوق را در خصوص ملاک و ضابطه انفال تمام ندانیم و نتوانیم به مناط واقعی در این رابطه برسیم می‌توان از عمومات موجود بهره برد. ادله عامی وجود دارد مبنی بر اینکه «الارض کله لنا» (همه هستی از آن امام (علیه‌السلام) است). بر این اساس تمامی اشیای موجود، در مالکیت حقیقی امام معصوم قرار دارد و ثروت‌های عمومی نیز داخل در این عموم است و هر موردی که دلیلی بر مالکیت فردی یا از جهت داخل بودن در مباحات عامه از این عموم خارج شود، از انفال خارج است و در هر موردی که چنین دلیلی وجود نداشت باید قایل به دخول آن در انفال شد. استفاده‌های متعددی از جانب فقهای بزرگ امامیه همچون سید کاظم یزدی (۱۴۲۱)، طباطبایی صاحب ریاض (۱۴۱۸) و نیز محقق قمی (۱۴۱۷) در خصوص عمومات مذکور صورت گرفته است. شیخ کلینی هم در کافی احادیثی را تحت عنوان «بابان الارض کلها للامام» گردآورده که خود بیانگر آن است که مطلب مذکور، یک اصل در روایات امامیه به شمار می‌آید. (بوکانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۲۴)

بر اساس استدلال شیخ انصاری در زمینه شمولیت ساحل دریا در زمره مصادیق انفال: «برخی از فقها ساحل دریاها را در عداد انفال مطرح کرده‌اند و من دلیل خاصی برای آن بیافتم؛ بنابراین لازم است به عمومات مراجعه کنیم که بر اساس آن اگر جزو موات باشد، از آن امام خواهد بود ولی اگر عامر باشد، در اینکه از مباحات باشد که برای همگان تصرف در آن جایز است یا از جمله انفال باشد، که در آن صورت ملک امام خواهد بود، محل بحث و نظری است و وجه اینکه جزو انفال باشد، این است که در کثیری از روایات ما آمده که همه زمین از

آن امام است و یا اینکه ارض "لا رب لها" از انفال است» (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۵۹)

پول ذیل مصادیق انفال تحت مناط ما لا رب لها و عمومات «الارض کله لنا» اگر در تشخیص مالکیت پول در «پول اعتباری سرمایه‌داری» شک نماییم که آن متعلق به دولت و حاکمیت است یا شبکه بانکداران خصوصی در نهایت قدر متیقن ذیل مناط ما لا رب لها خواهد بود لذا جزو مصادیق انفال می‌باشد. حتی اگر استدلال شمولیت پول اعتباری را ذیل مناط ما لا رب لها تمام ندانیم با استفاده از عمومات «الارض کله لنا» پول ذیل انفال و در مالکیت امام المسلمین قرار خواهد گرفت مگر اینکه دلیلی بر خروج آن از انفال و شمول آن ذیل مباحات قابل حیات قرارگیرد که چنین دلیلی نیز یافت نشده است. حتی با فرض وجود دلیلی مبنی بر خروج پول اعتباری از مصادیق انفال و قرارگرفتن آن ذیل مصادیق مباحات، اگرچه اصل بر اذن امام بر امکان حیات توسط مردم و افراد است، «اما نکته بسیار مهم در مورد حیات مباحات این است که شرط نفوذ عمل حیات، اذن امام و دولت اسلامی است» (حبیبی و نجارزاده، ۱۳۸۸، ص ۷۱) «در غیر این صورت، دخالت و تصرفشان غیرشرعی و غیرقانونی بوده و موجب ایجاد حق مالکیت و یا حق اولویت نمی‌گردد» (مشکینی، بی تا، ص ۱۲۲)

از آنجایی که در مباحات اصل بر اجازه و اذن امام برای حیات مصادیق آن بود، اما گذشت زمان و افزایش تصرفات و امکان تخریب آن‌ها این اذن بنابر اصل ۴۵ قانون اساسی برداشته شد. «رعایت عدالت و حقوق عمومی در مورد توزیع عادلانه این گونه اموال (که ماهیت عمومی دارد) ایجاب می‌کند که دولت اسلامی نوعی کنترل و نظارت را بر کیفیت حیات‌ها، مقدار تملک‌ها و میزان تصرفات که احیاناً با تخریب نیز همراه می‌باشد اعمال نماید». (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳) لذا به منظور جلوگیری از تداول اموال در دست اغنیاء و تحقق قاعده «کی لا تکون دوله بین الاغنیاء منکم» و دلالت عدالت توزیعی و تخصیصی، تصرف و حیات اموال عمومی برداشته شده است.

لذا در نهایت مالکیت پول ذیل مالکیت امام المسلمین باقی می‌ماند. هر چند

قرار گرفتن پول اعتباری ذیل اموال عمومی نیز ثمرات خارجی بسیار نزدیکی با انفال خواهد داشت.

د- تحقق اهداف عدم تداول ثروت در دست اغنیا و عدالت توزیعی در قبل و بعد از تولید و نیز حق مال (که مایه قوام، استقامت و مصحه جامعه اسلامی است) در صورت تعلق نهاد پول به حاکمیت سیاسی مشروع ممکن خواهد بود.

در قرآن و روایات، مال به عنوان عامل «قیام (مایه برپایی)» و «قوام (مایه سامان یابی)» و «مصحه (وسیله صحت و سلامت)» زندگی مردم و شئون ایشان معرفی شده است (حکیمی‌ها، ۴: ۱۳۸۰، صص ۶ و ۶۹۲).

لذا استفاده از مال و سرمایه پولی هرچند که در مالکیت اعتباری افراد باشد باید در جهت برآوردن نیاز همه اقشار جامعه قرار گیرد تا در زمره اتلاف و اسراف قرار نگیرد و زمینه قوام و قیام جامعه را فراهم سازد.

در حالی که با توجه به نظریه پولی تولید مارکس، هدف اصلی در فرآیند تولید نیز حداکثرسازی سرمایه پولی نهایی است، هر فعالیتی که سرمایه پولی بیشتری را ایجاد نماید، بر سایر فعالیت‌ها ارجحیت خواهد یافت، هرچند که فعالیت مذکور تولیدی نباشد. از سویی دیگر، دارندگان سرمایه‌های انبوه پولی هستند که تعیین‌کننده نوع تولید و یا فعالیت اقتصادی مورد نظر جامعه خواهند بود. لذا هدف در این نظام، تأمین نیاز همه اقشار جامعه نیست؛ بلکه تنها دارندگان سرمایه‌های پولی و پول‌سازان (خلق‌کنندگان پول) هستند که تعیین‌کننده نوع فعالیت‌ها و نیز جهت‌دهنده به گردش سرمایه‌های پولی در اقتصاد خواهند بود. در چنین حالتی، عدم تعلق مالکیت نهاد پول به دولت و یا حاکم خیرخواه مشروع می‌تواند مانع از در نظر گرفتن منافع همه اقشار جامعه و تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی همه طبقات اجتماعی شود و عدم حضور دولت و برنامه‌ریزی او در راستای منافع جمعی، زمینه را برای انباشت و دست‌به‌دست شدن سرمایه‌های جامعه در دست عده‌ای خاص را فراهم خواهد کرد. تأمین مالی بخش‌های مالی اقتصاد توسط خودش، ذاتی نظام سرمایه‌داری خواهد بود و انفصال بخش مالی و پولی اقتصاد از بخش حقیقی تولید کالاها و خدمات پیامد و خروجی چنین نظام

اقتصادی‌ای خواهد بود که در موارد شدید بحرانی بروز خواهد کرد. سودطلبی و سوداگری نهفته در نظام سرمایه‌داری، آن‌هم در نوع تکاثر پولی، باعث استثمار نیروی کار خواهد شد و "شکاف بین صاحبان سرمایه‌های پولی و پول‌سازان" و سایر اقشار جامعه به عنوان نیروی کار را به همراه خواهد داشت. تنها تعلق مالکیت پول به عنوان یک مال اعتباری به (حاکمیت دینی و سیاسی) دولت می‌تواند جهت‌دهی سرمایه‌های پولی و تنظیم نظام انگیزشی در راستای تقویت تولید ملی و نه سوداگری را محقق سازد و میل سوداگری افراطی را تا حدی کنترل نماید و مانع از بروز بحران‌های ارزی و بانکی و در نهایت انفصال بخش مالی و پولی اقتصاد از بخش تولید کالاها و خدمات (بخش واقعی اقتصاد) گردد. تحقق حق مال و عدم تداول ثروت در بین اغنیا تنها به واسطه تعلق مالکیت پول به حاکمیت سیاسی مشروع در حکومت دینی فراهم خواهد شد و عدالت توزیعی در قبل و بعد از تولید را رقم خواهد زد.

۳. دلالت‌های قرار گرفتن پول اعتباری ذیل مصادیق انفال در تخصیص و

تجهیز تولید و فعالیت‌های اقتصادی

«پول دارای جوهره و ماهیت اعتباری است که جعل، خلق و امحای آن از شئون حاکمیت سیاسی دینی است. از لحاظ کارکردی وجه تمایز آن با سایر اشیاء و کالاها، واحد محاسباتی و سنجش است که می‌تواند به واسطه جعل پول شیئی توسط حاکمیت به عنوان واسطه مبادلاتی نیز مورد استفاده قرار گیرد. از آنجایی که ارزندگی و مقبولیت آن چه از حیث واحد محاسباتی و ارزش‌گذاری و چه از حیث پول شیئی و واسطه مبادلاتی وابسته به وجود حاکمیت است؛ لذا تعلق به دولت ذیل مصادیق انفال دارد و طلب حاکمیت از تولیدات اجتماعی خواهد بود. حاکمیت با تعریف مکانیسم خلق و امحای پول، دسترسی و یا عدم دسترسی افراد جامعه را به آن مال اعتباری مطابق با اهداف نظام اقتصادی اسلام تعیین خواهد نمود. تفویض حاکمیت پولی به شخص ثالث، حیات حاکمیت سیاسی مشروع را از بین خواهد برد و بقای حکومت اسلامی را با مشکل مواجه خواهد کرد. به عبارت دیگر حاکمیت پولی مستقل، حاکمیت سیاسی دینی را به تصاحب خود

درخواست آورده.»

بعد از شناخت سیر تطور مفهوم پول و دستیابی به یک تعریف قابل اتکا در خصوص مفهوم آن و شناسایی دولت به عنوان رکن قوام‌دهنده در مقبولیت و پذیرش اجتماعی و اعتباربخشی به آن ذیل نظریه دولتی پول و نیز استدلال فقهی با استفاده از قواعد و اصول فقهی و عقلی و استنباط فقهی در خصوص قرارگیری پول به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی ذیل مصادیق انفال، می‌توان با استفاده از دلالات و ثمرات فقهی مربوط به انفال، ملاکات اصلی در تجهیز و تخصیص پولی تولید و فعالیت‌های اقتصادی را پیشنهاد نمود.

الف- در نظام‌های غربی و سکولار از آنجایی که دولت به عنوان حاکمیت استقلال مالکیتی ندارد و تنها می‌تواند در راستای مصالح عموم، مالیات‌های اخذشده را مصرف نماید دایره حاکمیت بسیار کمتر از اختیارات حاکمیت در نظام اسلامی است. لذا قیودی که از لحاظ ویژگی‌های حاکم اسلامی به طور بسیار سختگیرانه بنا نهاده شده است، اختیارات بسیار بالاتری را نسبت به حاکمیت در نظام سکولار در نظر گرفته است. در حالی که قدرت در نظام سکولار باید توزیع شود تا کنترل‌پذیری آن بالا رود. هر چند با بروز پول اعتباری نظام سرمایه‌داری دول دموکرات نیز در نهایت به تصاحب صاحبان قدرت انتشار و کنترل پول درخواهند آمد. در حالی که در نظام اسلامی به دلیل ویژگی‌های اساسی حاکم اسلامی همچون مدیر و مدبر بودن، عدالت، فقاقت، شجاعت و ...، تمرکز قدرت بالاتر و اختیار حاکم اسلامی بسیار بیشتر است.

با توجه به توضیحات مطروحه وابستگی حیات پول به مجوز و وجود دولت اسلامی و نیز مناط اصلی انفال و اختیارات بالای دولت اسلامی در استقلال مالی و نیز هزینه‌کرد آن بر اساس صلاح‌دید خود در جهت عمران و مصالح اسلام، شیوه تخصیص توزیع و خلق پول بر اساس نظریه دولتی پول و هزینه‌کرد آن وابسته به دولت خواهد بود.

ب- مال که مایه قوام جامعه اسلامی است باید در دست افراد رشید قرارگیرد و نه سفیهان تا زمینه حرکت جامعه اسلامی و رشد آن‌ها فراهم گردد. قوام و قیام

و استقامت از پیامدهای اساسی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام است. قوام مایه یکپارچگی نفوذناپذیری اقتصاد جامعه اسلامی می‌گردد. قیام منجر به حرکت و رشد جامعه اسلامی یکپارچه (بدون شکاف طبقاتی) می‌شود و استقامت اقتصادی همان تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری اقتصاد امت اسلامی در مقابل شوک‌های بیرونی و فشارهای خصمانه خواهد بود. از منظر اقتصاد مقاومتی، تولید ملی به عنوان ستون فقرات اقتصاد ملی و ستون خیمه‌ی اقتصاد کشور می‌تواند طوری پی‌ریزی شود که پیامدهای سه‌گانه مذکور ظهور و بروز یابد و در عین حال رشد و حرکت جامعه اسلامی در عرصه اقتصادی یک‌سویه نباشد و قوام و استقامت اقتصاد جامعه اسلامی را نیز تضمین نماید.

ج- پول به عنوان یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌ها یا نهاده‌های تولید همچون زمین و نیز به عنوان یکی از مصادیق مال که مایه قوام جامعه مسلمین است باید در دست فرد رشید (کسی که عقل معاش آن رشد یافته است) قرار گیرد تا منجر به حرکت و رشد جامعه اسلامی شود. این نهاده در صورتی که در راستای رشد، حرکت و ایجاد ثروت واقعی در جامعه به کار گرفته شود می‌تواند زمینه بالندگی جامعه مسلمین را فراهم نماید در غیر این صورت جز اتلاف و افزایش هزینه‌های تولید و کوچک شدن بخش واقعی اقتصاد (در عین بزرگ شدن بخش پولی و اعتباری) چیزی به ارمغان نخواهد آورد. لذا در صورت عدم استفاده صحیح از این نهاده تولید، دسترسی به این فرصت برای استفاده‌کننده غیرشایسته باید محدود شود. تولید کالا و ایجاد ارزش افزوده واقعی به عنوان مهم‌ترین مصادیق قوام و بالندگی اقتصادی جامعه و ستون فقرات اقتصاد ملی از منظر اقتصاد مقاومتی زمانی با رونق مواجه خواهد شد و توان رقابت کیفی و قیمتی را پیدا خواهد کرد که تأمین مالی با حداقل هزینه ممکن گردد. تأمین مالی صحیح تولید در دو حیطه توسعه و ایجاد و نیز تأمین هزینه‌های متغیر تولید تحت عنوان سرمایه در گردش می‌تواند زمینه مناسب برای پشتیبانی و گسترش بخش واقعی اقتصاد را فراهم نماید. تأمین مالی درون‌زای تولید تا جایی ادامه خواهد یافت که تقاضا از بخش

تولید برای سرمایه پولی وجود داشته باشد و در زمانی که نیاز به خلق سرمایه پولی وجود نداشته باشد، متوقف خواهد شد و نیز اعتبارات پولی مازاد بر نیاز تولید، امحا خواهد شد. پول به عنوان یک مال اعتباری یا فرصت برای فعالیت در عرصه اقتصاد از جمله مصادیق انفال است که براساس مصلحت و در جهت عمارت و آبادانی جامعه مسلمین به منظور فقرزدایی و کاهش شکاف طبقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اتلاف و معطل ماندن فرصت مذکور در عین اینکه می‌تواند مانعی برای استفاده از سایر منابع و فعالیت عوامل تولید شود، هزینه تمام شده ایجاد کالاها و خدمات را افزایش داده و منجر به کمیابی آن خواهد شد. مالکیت و اختیار تخصیص و استفاده از اعتبارات پولی و ایجاد پول اولیه در اختیار حاکم اسلامی است که می‌تواند به صورت مستقیم توسط خود حاکمیت مورد استفاده قرارگیرد یا اینکه اختیار تخصیص یا مصرف به بانک‌های دولتی و یا دیگر بخش‌های وابسته تفویض شود.

مکانیسم تثبیت و حفظ قدرت خرید پولی در شرایطی که دولت‌ها مستقل از بخش خصوصی به انتشار و کنترل نقدینگی اقتصاد مشغول هستند، تنها در صورت اخذ جریمه از کنزکنندگان و پرداخت یارانه به تولیدکنندگان و کارآفرینان بخش واقعی اقتصاد ممکن خواهد بود لذا پول و نقدینگی مازاد در طراحی چنین سازوکاری به صورت درون‌زا در جهت مقصد تولید و بخش واقعی اقتصاد خلق و یا در صورت وجود مازاد به صورت درون‌زا امحاء خواهد شد. تثبیت اقتصادی و شکل‌گیری مابه‌ازای کالا و خدمات با سرعتی متناسب با خلق پول، حفظ و تثبیت قدرت خرید پول را تضمین خواهد کرد.

بر اساس نظریه پولی تولید مارکس، یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید، سرمایه پولی است و تبدیل آن به سرمایه تولیدی و در نهایت تبدیل سرمایه تولیدی به سرمایه کالایی است و اتمام فرآیند و چرخه تولید در تبدیل سرمایه کالایی به سرمایه پولی جدید است. (یزدان‌پناه و جعفری قدوسی، ۱۳۹۲) امحای سرمایه پولی خلق شده اولیه و بازتوزیع ارزش‌افزوده ایجاد شده بین عوامل اصلی تولید می‌تواند تضمین‌کننده حیات چرخه تولیدی باشد.

اختلال در مرحله اول نظریه پولی تولید یعنی تبدیل سرمایه پولی به سرمایه تولیدی و فیزیکی می‌تواند با توجه به مبانی دینی و مالکیت حاکم اسلامی بر پول برطرف و از بروز آن جلوگیری شود. همانگونه که مالکیت زمین موات متعلق به حاکم اسلامی بوده و این زمین‌ها به عنوان یکی از زیرساخت‌ها و نهاده‌های اصلی تولید می‌باشد در صورت استفاده از آن در مسیر تولید و کشاورزی حق‌استفاده متعلق به آبادکننده آن خواهد بود، در غیر اینصورت حق استفاده از زمین مذکور به فرد دیگری منتقل می‌شود. یکی از منابع نه گانه زکات، نقدین می‌باشد که به عنوان مسکوک (پول رایج) مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا کنز یا باقی ماندن آن مشمول زکات خواهد بود. یکی دیگر از منابع خمس، مازاد درآمد سالانه بر مخارج سال می‌باشد. لذا از سرمایه تولیدی خمس دریافت نمی‌شود بلکه از سود سرمایه‌گذاری که مازاد بر مخارج سال است خمس اخذ می‌گردد. به عبارتی دیگر ایجاد محدودیت برای افرادی که توان استفاده از مال و سرمایه پولی را در جهت تحقق و تجلی قوام جامعه اسلامی ندارند و جریان آن به سمت افراد رشید و نه سفیه از جمله مصالح اصلی در جهت توزیع و استفاده و تخصیص و خلق آن خواهد بود که تجلی آن تقویت و تأمین مالی تولید را به عنوان ستون فقرات اقتصاد ملی تضمین خواهد کرد.

نقدی که اقتصاددانان مسلمان قایل به نظریه پول طلا (پول طبیعی - حقیقی) بر تحلیل فوق قایل هستند این است که اولاً تعیین ارزش و قیمت پول را که کالایی خصوصی است، بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضای پول حقیقی در نظر می‌گیرند. ایشان با تأکید بر لزوم رعایت احترام به مالکیت شخصی، نظام پول اعتباری (حکمی) یا بدون پشتوانه را سبب اصلی ایجاد تورم می‌دانند و یا لاقلاً آنرا مسبب تغییر در توزیع ثروت افراد جامعه می‌دانند. به بیان ایشان خلق پول دولتی در زمانی که حجم آن از تولید پیشی بگیرد (با فرض ثبوت سایر شرایط) بنا بر نظریه مقداری پول منجر به تورم می‌شود. از منظر ایشان، نقش و جایگاه اقتصادی دولت چیزی جز تأمین کالاهای عمومی و تصدی امور حسبه نیست. لذا در چنین شرایطی مالیات پرداختی مردم به دولت را در حکم اجرتی است که به دولت

در عوض انجام خدمات مذکور ارایه می‌کند و از آنجایی که مالیات تورمی مالیاتی گرری است، زیرا میزان دقیق پرداخت مالیات و نیز زمان پرداخت آن مشخص نیست، مشروع نمی‌باشد. خلق پول دولتی را نمی‌توان حق ضرب پول دانست. از آنجایی که حق ضرب تفاوت میان قیمت تمام‌شده سکه در ضرابخانه و ارزش بازاری آن می‌باشد، استعمال اصطلاح حق‌الضرب برای پول‌های کاغذی و اعتباری و بدون پشتوانه حق‌الضرب نمی‌باشد و آن تنها یک کاربرد مجازی دارد زیرا در چاپ پول‌های کاغذی تقریباً تمام پول چاپ شده منفعت حاصل برای نهاد ناشر است که همان خلق پول است.

در پاسخ به انتقادات و سؤالات ایشان می‌توان نکات زیر را یادآور شد:
 حتی اگر طلا و نقره مبنای مبادله باشد بر اساس احکام اسلامی، نقدین مشمول زکات قرار می‌گیرد لذا در چنین حالتی نیز مالکیت خصوصی محدود می‌شود. اما چه تضمینی وجود دارد که افزایش نقدینگی با پشتوانه دارایی یا پول طلا صورت نپذیرد، یعنی عیار مسکوک کاهش نیابد. آیا در چنین حالتی تورم نخواهیم داشت؟

از سویی دیگر چرا حق‌الضرب تنها به ضرب سکه اطلاق می‌شود در حالی که حق تمبر یا هر چیز دیگر متعلق به نشردهنده آن است. حیات و مقبولیت پول رایج و در گردش نیز وابسته به حاکمیت سیاسی و پشتوانه قانونی است.

از سویی دیگر اگر قایل پول را کالای خصوصی بدانیم، مجبور به پذیرش بازار و لحاظ قیمت برای پول طبیعی یا حقیقی خواهیم شد و با استفاده از مکانیسم عرضه و تقاضا قیمت آن تعیین می‌یابد. حال آیا پول مسکوک به دلیل پول بودن جدای از ارزش ذاتی آن دارای قیمت است؟ در چنین حالتی ربای معاملی و ربای قرضی را چگونه می‌خواهیم توجیه کنیم؟ به عبارت دیگر از چاه‌ی خلق پول خارج شده‌ایم و در چاه ربا افتاده‌ایم.

مسئله دیگر این است که از آنجایی که پول با پشتوانه دارایی حقیقی دارای ارزش ذاتی یا پشتوانه‌ای با ارزش حقیقی است، انگیزه برای کنز آن و نیز ذخیره‌سازی آن به عنوان ثروت و دارایی افزایش می‌یابد، بالارفتن انگیزه کنز و

خارج شدن پول حقیقی یا پول طلا از گردش اقتصادی منجر به انفصال بخش پولی و مالی از بخش حقیقی اقتصاد و شکل‌گیری اقتصاد حباب و تأمین مالی بخش پولی و مالی اقتصاد توسط خودش می‌شود و نیاز بخش حقیقی اقتصاد به خون در گردش برای توسعه و گسترش و رشد خود با محدودیت بیشتری مواجه خواهد شد. حتی در چنین شرایطی امکان کوچک شدن بخش حقیقی و بزرگ‌تر شدن بخش پولی با هدف سفته‌بازی و سوداگری در شرایطی که پول حقیقی دارای ارزش ذاتی است بیش‌ازپیش خواهد بود. به عبارت دیگر عارض شدن رکود تورمی در چنین اقتصادی در نتیجه مکانیسم پول طلا بسیار محتمل خواهد بود. از منظر تاریخی نیز عارض‌سازی رکود ۱۹۳۰ توسط طبقه بانکداران جهانی در اقتصاد آمریکا برای دلارهایی که دارای پشتوانه طلا بودند و تأمین مالی طرفین جنگ در اروپا تحلیل فوق را تصدیق می‌نماید.

به نظر می‌رسد یکی از اهداف اساسی در نظام اقتصادی اسلام و یکی از معایر مهم در رشد و بالندگی و توزیع متوازن اقتصادی عدم تداول ثروت در دست عده‌ای خاص باشد. تداول ثروت در چنین شرایطی و انفصال حکمرانی پولی از حاکمیت سیاسی و واگذاری آن به بخش خصوصی در عمل منجر به بسته شدن دست حاکمیت مشروع سیاسی و استقرار از بخش خصوصی بنا بر قیمت پولی تعیین‌شده در بازار پول حقیقی خواهد شد و این نکته استقلال حاکمیت سیاسی مشروع را در تصمیم‌گیری بر اساس منافع جامعه اسلامی و مصلحت و کارآمدی جامعه اسلامی به چالش خواهد کشید.

از سویی دیگر طلا یا برخی کالاهای مشابه که می‌توانند نقش پول بگیرند یا پشتوانه پولی اقتصاد ملی باشند، به دلیل قیمت‌گذاری جهانی دلار استقلال زیرساخت پولی را با مشکل اساسی مواجه خواهند کرد. به عبارت دیگر عرضه و تقاضای چنین پولی اگر بر اساس ارزش ذاتی آن باشد وابسته به یک سیستم پولی جهانی مبتنی بر خلق بدهی خواهد بود و غرض نظریه‌پردازان سیستم طلاپایه برآورده نخواهد شد.

در شرایط تحریمی نیز ایجاد چنین محدودیت‌هایی و وابسته شدن به بخش

خصوصی می‌تواند شرایط را برای سخت شدن غلبه بر دشمن در جنگ اقتصادی فراهم سازد.

به نظر می‌رسد از منظر عملیاتی و با هدف حداکثر کارآمدی نظام اقتصاد اسلامی، نگرانی بیشتری برای نتایج ناشی از پول طلا وجود داشته باشد در حالی که لحاظ پول به مثابه انفال و تبعیت از دلالت‌های آن می‌تواند زمینه را برای پیاده‌سازی آن در شرایط گذار، فراهم نماید و نقدینگی‌های انباشت‌شده و خلق‌شده در شرایط انفصال بخش حقیقی از بخش پولی را در یک بازه زمانی مشخص یا جذب بخش تولید (هدایت نقدینگی موجود به سمت فعالیت‌های تولید کالا و خدمات) نماید و یا اینکه امحا گردد. حال در ادامه کار بعد از آن که نقدینگی مورد نیاز بخش واقعی تأمین شد، اگر اقتصاد به نقدینگی بیشتر برای تأمین مالی نیاز داشت پول به صورت دستوری و حکمی و به صورت برون‌زا توسط حاکمیت مشروع سیاسی ایجاد خواهد شد و با همان مکانیسم اعطای یارانه به بخش تولید (و گسترش دسترسی افراد رشید و کارآفرین و تولیدکننده به پول به عنوان یکی از مصادیق انفال) اعطا خواهد شد. پول به عنوان یک کلای عمومی که متعلق به حاکمیت سیاسی مشروع است و اداره یا مدیریت و بهره‌مندی از آن بر اساس اهداف کلان اقتصادی و در جهت حمایت از بخش واقعی اقتصاد و با هدف رونق و جهش تولید، افزایش اشتغال یا تضمین درون‌زایی اقتصاد ملی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین اقتصاد مقاومتی متعلق به حاکمیت دینی خواهد بود و در جهت حمایت از تولید ملی به عنوان ستون فقرات اقتصاد ملی و حداقل‌سازی اثرات تحدیدکننده تحریم و رفع نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی و وابستگی به ذخایر دلاری تا حد امکان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر اصطکاک پولی و عدم انتقال پولی تولید و شکل‌گیری حباب در بخش پولی و مالی اقتصاد (وضعیت فعلی اقتصاد کشور) حل خواهد شد.

بنا بر نظریه مقداری پول در شرایط اشتغال کامل افزایش برون‌زای پول منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود اما در شرایطی که ظرفیت خالی در اقتصاد و نیاز به نقدینگی بخش واقعی اقتصاد روندی فراینده دارد و معمولاً نیاز به

نقدینگی و فقدان آن منجر به ورشکستگی بسیاری از کسب‌وکارهای با سابقه اقتصادی شده است، نمی‌توان پیش‌بینی قطعی تورم را در چنین شرایطی مطرح نمود که تورم ناشی شده از چنین اقدامی را مصداق نقض مالکیت خصوصی مطرح شود. حتی اگر خلق پول حکمی حاکمیت دینی منجر به تغییر توزیع درآمد در جامعه گردد (و نه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها) با توجه به افزایش رشد اقتصادی و نیز ایجاد اشتغال در اقتصاد ملی می‌توان با سیاست‌های مالی مناسب اثرات توزیعی نامناسب مذکور را نیز برطرف نمود و همه این‌ها ذیل حکمرانی اقتصادی حاکمیت دینی به عنوان یکی از زیرنظام‌های حکومت اسلامی قابل تبیین است.

از سویی دیگر در تعارض بین منافع افراد در جامعه اسلامی با منافع جامعه از منظر کلان، منافع کلان جامعه اسلامی اهمیت می‌یابد. اگرچه در موضوع این تحلیل، امکان حداقل‌سازی تغییرات توزیع درآمدی با استفاده از سیاست‌های مالی بازتوزیعی قابل حل است.

نتیجه‌گیری

بنا بر مطالعات انجام‌شده در خصوص سیرتطور نظریات اقتصاددانان و جامعه‌شناسان اقتصادی در مورد ماهیت پول و نیز اندیشمندان اسلامی و تحلیل و بررسی‌های فقهی صورت‌گرفته، پول بنا بر دلایل زیر به مثابه انفال تعریف می‌شود:

الف- استقلال مالی و پولی حاکمیت تضمین‌کننده بقای حاکمیت سیاسی و قضایی اسلام است و نافی سلطه غیر بر امت مسلمین خواهد بود. (سیره عقلا و قاعده نفی سبیل)

ب- قوام و ارزش نهاد پول و مقبولیت اجتماعی آن وابسته به وجود و ذات حاکمیت است.

ج- ذیل مناط «ما لا ربّ لها» و عمومات «الأرض کله لنا»

د- تحقق اهداف عدم تداول ثروت در دست اغنیا و عدالت توزیعی در قبل و بعد از تولید و نیز حق مال که مایه قوام، استقامت و مصحه جامعه اسلامی است. بر این اساس تعریف اثباتی در خصوص ماهیت پول عبارت است از:

«پول دارای جوهره و حقیقتی اعتباری است که جعل، خلق و امحای آن از شئون حاکمیت سیاسی دینی است. از لحاظ کارکردی وجه تمایز آن با سایر اشیا و کالاها واحد محاسباتی و سنجش است که می‌تواند به واسطه جعل پول شیئی توسط حاکمیت به عنوان واسطه مبادلاتی نیز مورد استفاده قرارگیرد. از آنجایی که ارزندگی و مقبولیت آن چه از حیث واحد محاسباتی و ارزش‌گذاری و چه از حیث پول شیئی و واسطه مبادلاتی وابسته به وجود حاکمیت است، لذا ذیل مصادیق انفال، متعلق به حاکمیت دینی است و طلب حاکمیت از تولیدات اجتماعی خواهد بود. حاکمیت با تعریف مکانیسم خلق و امحای پول، دسترسی و یا عدم دسترسی افراد جامعه را به آن مال اعتباری مطابق با اهداف نظام اقتصادی اسلام تعیین خواهد نمود. تفویض حاکمیت پولی به شخص ثالث، حیات حاکمیت سیاسی مشروع را از بین خواهد برد و بقای حکومت اسلامی را با مشکل مواجه خواهد کرد. به عبارت دیگر حاکمیت پولی مستقل، حاکمیت سیاسی دینی را به تصاحب خود درخواهد آورد.»

با توجه به مطالعات صورت گرفته و ارایه نظریه پول به مثابه انفال پیشنهاد سیاستی زیر قابل ایفاد است:

اختیار هزینه‌کرد و نیز تأییدساز و کار تجهیز و تخصیص و توزیع منابع پولی برای ایفای وظایف پنج‌گانه دولت (خلق، بسط، حفظ، صیانت و قبض بازار) در عرصه اقتصاد با نگاه فرابخشی و کلان، بر عهده حاکم شرع و ولی امر خواهد بود. بر اساس دلالات هزینه‌کرد انفال استفاده از منابع پولی و اعتباری به عنوان یک حق اولویت در دست کسانی خواهد بود که در مسیر فعالیت‌های تولیدی اثربخش مشغول هستند و از کسانی که در فعالیت‌های سوداگری و دلالی و سفته‌بازی به دنبال اخلال در اقتصاد ملی هستند، جریمه اخذ می‌شود (نرخ سود سپرده منفی است و نرخ سود تسهیلات نیز منفی^(۸) خواهد بود و با گذر زمان دسترسی به این منابع پولی محدود خواهد شد. توجه به این نکته ضروری است که نقدینگی انباشته‌شده در بخش پولی و مالی اقتصاد با نرخ سود سپرده منفی به تدریج امحا خواهد شد البته لازم است انگیزه‌های دلالی و سوداگری در سایر بازارهای مالی از

بین برود و هدایت نقدینگی به صورت مستقیم به سمت تولید صورت پذیرد. بر اساس نظریه پول به مثابه انفال، بانکداری خصوصی و بنگاهداری بانک‌ها ملغی خواهد شد و خلق پول بانکی ممنوع می‌شود. به معنی واقعی کلمه بانک‌ها به مثابه تنها واسطه مالی خواهند بود و اساساً امکان خلق پول از طریق خلق پول یا ضریب فزاینده نیز ممکن نخواهد بود و تنها بانک مرکزی ذیل حاکمیت دینی سیاسی مجاز به خلق پول برون‌زا به صورت دستوری و بر اساس نیاز درون‌زای بخش واقعی اقتصاد خواهد بود. تأمین نیازهای معیشتی و جاری و حیاتی جامعه از طریق نهادهای قرض‌الحسنه و با نرخ سود صفر ممکن خواهد بود.^(۹)

پی‌نوشت‌ها

۱. نکته دیگر این است که کاهش نرخ بهره پولی با استفاده از عملیات بازار باز بدون لحاظ قید مذکور می‌تواند زمینه را برای خروج سپرده‌های پولی از حساب‌های بلندمدت به حساب‌های جاری فراهم سازد و همچنان انفصال بین بخش مالی و پولی و بخش واقعی اقتصاد برقرار باشد. لذا رصد و کنترل و هدایت نقدینگی به سمت تولید و مقابله با حرکت نقدینگی به سمت فعالیت‌های سوداگرانه و دلالی شرط کافی برای اتصال بخش پولی و مالی اقتصاد به بخش واقعی آن باشد. در غیر این صورت تنها گرداب نقدینگی در سایر فعالیت‌های سوداگرانه و بی‌نصیب ماندن فعالیت‌های تولیدی از نقدینگی خلق شده و موجود در اقتصاد ملی نتیجه خواهد شد. مشکلی که عدم لحاظ آن در برخی کشورهای توسعه‌یافته با نرخ سود سپرده منفی باب انتقاد را برای ذی‌نفعان طبقه بانکداران جهانی گشوده است.

۲. ترجمه انگلیسی این کتاب در سال ۱۹۲۴ انجام شده است.

۳. علی‌رغم نظر ایشان می‌توان با استفاده از مباحث مربوط به طراحی بازار، مشکل شکست بازار را در خصوص کالاهای عمومی برطرف نمود. برای توضیحات بیشتر مراجعه شود به:

Roth, Alvin E. 2015: Who Gets What and Why; The Hidden World of Matchmaking and Market Design. William Collins

۴. توجه به این نقل قول از مایر آمشل روچیلد، جد خاندان روچیلد به عنوان سرشبهه بانکداران جهانی، روشنگر و تأییدکننده نکته مذکور خواهد بود. او می‌گوید: «بگذارید انتشار و کنترل پول یک کشور به دست من باشد؛ برای من اهمیتی ندارد که چه کسی قوانین را می‌نویسد.» (هیچکاک اندرو، ۱۳۹۱)

یا در نقل قولی دیگر هنری فورد این گونه می‌افزاید:

«بسیار خوب است که مردم ما از سیستم بانکداری و پولی سردر نمی‌آورند و گرنه به نظر من تا قبل از صبح انقلابی به وقوع می‌پیوست» (هنری فورد، به نقل از Greider, 1987:55)

۵. انحصار شکل‌گیری پول دولتی در وسیله‌ای برای تسویه بدهی‌های مالیاتی توسط ماسگریو (۲۰۰۹) مورد انتقاد جدی واقع شده است. برای اطلاعات بیشتر به مقاله

توسلی و همکاران (۱۳۹۱) مراجعه شود.

۶. کل هستی از آن امام معصوم است.

۷. برای نمونه به موارد زیر اشاره می‌شود:

انفال در زمان حیات رسول اکرم (ص) اختصاص به ایشان داشت و پس از ایشان، فقط اختصاص به امام قائم مقام ایشان دارد و انفال هر زمینی را گویند که بدون اینکه لشگری بر آن تاخته باشد فتح شده است و نیز زمین‌های موات و ارث بدون وارث و دریاها و معادن و ...» (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۲۷۹) «انفال هر زمینی است که به واسطه حمله سپاهیان فتح نشده است و یا هر زمینی که اهالی آن با رغبت آن را تسلیم نموده‌اند و یا قله کوه‌ها و یا زمین‌های موات و ...» (شیخ طوسی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۴)

۸. لازم به ذکر است که در ۴ کشور دنیا همچون ژاپن، دانمارک، سوئیس و سوئد نرخ سود تسهیلات منفی است و در ۲۸ کشور دنیا نرخ سود تسهیلات صفر است.

۹. آرایه مدل عملیاتی و الگوی سیاست پولی در قالب ظرفیت این مقاله نمی‌گنجد و نیازمند مطالعه دیگری است.

منابع

- انصاری (شیخ)، مرتضی. ۱۴۱۵ق. کتاب الخمس، قم: المؤتمر العالمی لمیلاد الشیخ الانصاری
- اینگهام، جفری. ۱۳۹۵. پول متعلق به کیست؟، (ترجمه حامد جهانشاهی). جستارهای مبین. ۴ (۴۱).
- بیانیه گام دوم انقلاب؛ مقام معظم رهبری. ۱۳۹۷. به نقل از «شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب». معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، مرکز چاپ سپاه.
- توتونچیان، ایرج. ۱۳۷۹. پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری. تهران: توانگران
- توسلی، محمداسماعیل. ۱۳۹۱. تحلیل ماهیت پول، فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۱۲ (۴۸)، صص ۱۰۸-۱۳۰.
- توسلی، محمداسماعیل. کمیجانی، اکبر. عربی، سید هادی. ۱۳۹۱. بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. ۱۷ (۵۱)، صص ۱۳۷-۱۵۵.
- ثابت، سید عبدالحمید. ۱۳۹۶. جایگاه خلق پول در نظام اقتصادی اسلام. رساله دکتری. تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
- حبیبی، محمدحسن. نجارزاده هنجنی، مجید. ۱۳۸۸. ملاک تمییز انفال و نسبت آن با سایر عناوین مالکیت عمومی. حقوق خصوصی. ۶ (۱۵)، صص ۵۵-۷۶.
- حسینی دولت‌آبادی، مهدی. ۱۳۹۴. ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی. رساله دکتری تخصصی. دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- حکیمی، محمدرضا. حکیمی، محمد. حکیمی، علی. ۱۳۸۰. الحیاه (۶ جلد)، (ترجمه احمد آرام). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر. ۱۴۱۸ق. مختلف الشیعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. جلد سوم و هفتم.
- خمینی، روح‌الله. ۱۴۲۱ق. کتاب البیع. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی. جلد سوم.

- خویی، ابوالقاسم. ۱۴۱۸ق. موسوعه الامام الخوئی. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی. جلد بیست و پنجم.
- درودیان، حسین. ۱۳۹۳. ارزیابی نظریه‌های رقیب در باب هستی‌شناسی پول (۱) مبحث اول: ماهیت پول، جستارهای مبین. ۲ (۳۰).
- درودیان، حسین. ۱۳۹۴. «ارزیابی نظریه‌های رقیب در باب هستی‌شناسی پول (۱) مبحث اول: ارزش پول، جستارهای مبین. ۲ (۳۳).
- درودیان، حسین. ماهیت پول و آثار خلق پول (بانکی) در اقتصاد متعارف؛ یک ارزیابی انتقادی از منظر اقتصاد اسلامی. رساله دکتری. تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- زراءنژاد، منصور. سعادت مهر، مسعود. ۱۳۸۶. عرضه پول در اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. ۴۵، صص ۲۲-۱.
- الصدر، سید محمدباقر. ۱۳۸۲. اقتصادنا. مؤسسه بوستان کتاب قم. مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلاميه.
- طریحی، فخرالدین. ۱۳۷۵. مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی. جلد چهارم، چاپ سوم.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. ۱۳۷۵ق. الاقتصاد. تهران: کتابخانه جامع چهل‌ستون. علی‌اکبری بابوکانی، احسان. سعدی، حسینعلی. طیبی‌جیلی، مرتضی. ۱۳۹۷. بازپژوهی تعریف و مفهوم انفال در اندیشه فقیهان امامیه (با تأکید بر انگاره امام خمینی (ره)). پژوهش‌های فقهی. ۱۴ (۲)، صص ۴۰۵-۴۲۸.
- عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۸۳. فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر. جلد چهارم، چاپ اول.
- قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن. ۱۴۱۷ق. غنائم الايام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. جلد چهارم.
- کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۴۰۷ق. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. جلد هفتم، چاپ چهارم.
- مجاهدی‌موخر، محمد مهدی. دلالی اصفهانی، رحیم. صمدی، سعید. بخشی‌دستجردی، رسول. ۱۳۹۲. بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۲۱ (۶۵).
- محمدی، مهدی. ۱۳۹۹. اقتصاد ایران در مسیر جایگاه دوازدهم؛ الزامات و راه‌کارها. تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
- مشکینی، علی. بی تا. زمین و آنچه در آن است. قم: انتشارات یاسر.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان. ۱۴۱۰ق. المقنعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم.
- نعمتی، علی. ۱۳۹۹. بررسی پدیده خلق پول از منظر فقه امامیه (رویکرد فقهی-اقتصادی). رساله دکتری. تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
- هیچکاک، اندرو. ۱۳۹۱. صهیون‌نیزم در مسیر سلطه، ناگفته‌هایی از توطئه‌ها و ترندها.

(ترجمه محمدیاسر فرحزادی). تهران: نشر ساقی.
یزدان پناه محسن و جعفری قدوسی آمنه. ۱۳۹۲. چیستی پول، جستارهای مبین. ۱۵.
یزدی، محمد. طباطبایی، کاظم. ۱۴۲۱ق. حاشیه المکاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان. جلد
اول، چاپ دوم.

- A.S.Eichner and J.A.Kregel. 1975. "An essay on Post Keynesian Theory: A New Paradigm in Economics"; *Journal of Economic Literature*, dec.
- B.J.Moore. 1983. "Unpacking the Post Keynesian Black Box: Bank Lending and Money Supply, *Journal of Post Keynesian Economics*.
- Barkai, H. 1989. The old historical school: Roscher on money and monetary issues. *History of Political Economy*.
- Bell, S. 2001. The role of the state and the hierarchy of money. *Cambridge Journal of Economics*, 25. PP. 149-63.
- Chang Ha-Joon 2010. *23 Things They Don't Tell You About Capitalism*, Bloomsbury Press.
- Crouzet, F.1999. Politics and banking in revolutionary and Napoleonic France. In R. Sylla, R. Tilly and G. Tortella, *The State, The Financial System and Economic Modernization*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Goodhart, A.E. Charles. 1998. "The two concepts of money: implications for the analysis of optimal currency areas", *European Journal of Political Economy*, Vol. 14. PP. 407-432.
- Graziani, A. 2003, *The Monetary Theory of Production*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Grierson, P. 1977. *The Origins of Money*. London: Athlone Press.
- Ingham, G. 2004. *The Nature of Money*. Cambridge: Polity.
- Innes, A. M. 1913. What is money? *Banking Law Journal* (May). PP. 377-408.
- Jackson, A. & Dyson, B. 2012. *Modernising Money: Why our monetary system is broken and how it can be fixed*, London: Positive Money.
- Keynes, J. M. 1930. *A Treatise on Money*. London: Macmillan.
- Knapp, G.F. 1973[1924]. *The State Theory of Money*. New York: Augustus M. Kelley.
- M. Lavoie. 1984. "The Endogenous Flow of Credit and the Post Keynesian Theory of Money"; *Journal of Economic Issues*.
- McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. 2014. Money creation in the modern economy. *Bank of England Quarterly Bulletin*, Q1.

- McMullen Steven 2012. "Endogenous Virtues and Economic Policy", Paper submission to the 2012 ASE World Congress in Glasgow.
- Mishkin, F. 2004. *The Economics of Money, Banking and Financial Markets*, 7th ed., US: The Addison-Wesley series in economics.
- Moore, B. J. 1983. Unpacking the post Keynesian black box: bank lending and the money supply, *Journal of Post keynesian economics*. PP. 537-556.
- P.Davidson. 1968. "A Keynesian View of the Relationship between Accumulation, Money and the Money Wage- rate"; *The Economic Journal*.
- P.Davidson. 1988. "Introduction : Three Views on the Endogenous Money SUPPLY"; *Journal of Post Keynesian Economics*.
- P.Davidson. 1996. "What are the Essential Elements of Post Keynesian and Circulation Approaches, Edited by G.Deleplace and E.J.Nell.
- Pierce, D.G. & Shaw, D.M.: *Monetary Economics: Theories, Evidence and Policy*; Crand, Russak & Company, Inc. N.Y.(1974)
- Schumpeter, J.A. 1994. *History of Economic Analysis*, London and New York: Routledge.
- Simmel, G. 1978 . *The Philosophy of Money*. London: Routledge.
- Weber, M. 1978. *Economy and Society*. Berkeley: University of California Press.
- Wray, R. (ed.) 2004. *Credit and State Theories of Money*. Cheltenham: Edward Elgar.
- Yu, Krista. Danielle. S., Tan, Raymond. R., Kathleen, B. Aviso., Promentilla, Michael. Angelo. B., & Santos, Joost. R. 2014. A Vulnerability Index for Post-Disaster Key Sector Prioritization. *Economic Systems Research*, 26:1. PP. 81-97.